

MANCHESTER
1824

The University of Manchester

[اناداپ, Apādānā (۱۵), Apadana (15)]

Source: *University of Manchester*

Stable URL: <https://www.jstor.org/stable/community.28163968>

Rights Notes: Rights Holder - Image: The University of Manchester Library

JSTOR is a not-for-profit service that helps scholars, researchers, and students discover, use, and build upon a wide range of content in a trusted digital archive. We use information technology and tools to increase productivity and facilitate new forms of scholarship. For more information about JSTOR, please contact support@jstor.org.

This item is being shared by an institution as part of a Community Collection.

For terms of use, please refer to our Terms & Conditions at <https://about.jstor.org/terms/#whats-in-jstor>



University of Manchester is collaborating with JSTOR to digitize, preserve and extend access to
University of Manchester

JSTOR

صاحب امتیاز و مدیر:
امیر سلیمان عظیمی
زیر نظر هیئت تحریریه

جنگ

سال دوم شماره ۱۵
شنبه ۸ تیر ماه ۱۳۳۰
ننگ شماره (۱) ریال

جای اداره خیابان لاله زار کوچه نکسا شماره ۳۴

در جستجوی حقیقت «۵» نوشته تابناک

گمونیسیم در آستانه مرگ

ناسیونالیسم یا کمونیسیم؟

فروزش - عموم مردم جهان بسیاری از افکار و حرکات و... با خوب میدانند یابند. این عقیده خوبست و فلان عقیده بد این حرکت پسندیده است و فلان ناپسند. نه تنها بعضی از چیزها خوب و بعضی دیگر بد میباشد بلکه یک چیز گاهی خوب و گاهی بد است.

مثلا اگر کسی مطابق با واقع سخن گوید و آنچه را که میگردد حقیقت نیز داشته باشد و در گفتار خویش اغراض خود و دیگرانرا در نظر نگردد و جز درستی و با کدامنی هدف دیگری نداشته باشد او را آدم راستگو مینامند و بالاترین ارزشهای اخلاقی را تقدیم او نموده و خلاصه کل سرسید جامعه اش مینخوانند ولی اگر کسی برخلاف واقع سخن گفت و در بیانات خود نه تنها حقیقت را در نظر گرفت بلکه اعتنائی نیز بر زبان نکرد و مبنای سخن خود را بروی نظریات بلبیدی بنا نهاد شخصی دروغگو شمرده میشود و بسویله بدست ترین زشتیها اورا سرزنش میکنند و میگویند چون آدم دروغگو دشمن خداست و تونیز دروغگو هستی پس توهم دشمن خدائی ولی بعضی اوقات دیده میشود که آن آقای راستگو رانیز از آن مقام جبروتی پائین آورده و هر چه ناسزا که بدتر از آن باصطلاح در «چپته» خود نثارند باو نسبت میدهند.

بیچاره راستگو! مگر چه کرده؟ اینکه آدم خوبی بود و همیشه راست میگفت و چون راست میگفت مورد احترام همه بود. لابد ایندغمه دروغ گفته! نه اتفاقا ایندغمه هم راست گفته فایده این راستی چیست؟ انسان باید راست بگوید برای اینکه فتنه و سر و صدا بپا نشود این آقای راستگو باریست گفتن خود یک نامیل را بجان هم انداخته و در اثر آن چنین چنان شده است باید دید مصلحت در چیست؟ چه بسا بایک سخن راست بدبختیهای بسیاری بپا شده و با یک سخن دروغ آتش های دامنه داری خواهد پیوست. پس ملاحظه میفرمائید بعضی چیزها خوب و بعضی دیگر بد و گاهی یک چیز خوب مسکن است بد باشد و یک چیز بد خوب

آیا راستی فی نفسه خوبست؟ و دروغ گفتن بد است؟ اگر راستی خود بخود خوبست پس چرا گاهی کسیکه راست میگردد او را فتنه انگیز و شخص دروغگو را مصلح می نامند؟ نه راستی بذاته خوبست و نه دروغگویی بذاته بد بلکه باید دید مصلحت در چیست یعنی اعتبار راست گفتن و دروغ گفتن چیست؟ بنابراین راست گفتن و دروغ گفتن دو امر اعتباری هستند. نظریه این موضوع بسیار دیده میشود که همه آنها موید گفته ما است و اکنون برای آنکه مطلب بهتر روشن شود مثالی دیگر میزنیم.

شاید جنایتی بدتر از آدم کشی وجود نداشته باشد و صفت جانی بودن شاید بدترین صفتها در عالم باشد. با اینحال می بینیم اغلب مردم تقاضای اعدام و کشتن شخصی را مینمایند و دستگاه قضات نیز بنام دادخواهی شخصی رامحکوم بناوبودی مینمایند و در اینصورت نه تنها آقایان قضات را جانی و عملشانرا جنایت نمی نامند بلکه آنها را عادل و کردارشان را نیز عدالت مینامند.

این تفاوتها برای چیست؟ نتیجه کار یک جانی و یک قاضی هر دو که آدم کشی است پس چرا از یکی نفرت داریم و دیگری را پیوسته می ستائیم؟ آیا جز اینکه عمل آن شخص قائل را مثلا مضر بحال جامعه و کار آن فاضی را مفید بحال جامعه میدانیم علت دیگری میتوان برای آن یافت پس باید دید مصلحت اجتماع و نظم یک کشور در چیست والا آدم کشی نیز فی نفسه نه بد است و نه خوب آنگاه که میگوئیم بد است باعتبار بر هم خوردن نظم اجتماع یک ملت است و وقتیکه میگوئیم خوبست بحاطر آرامش و برقراری نظم جامعه است این یک گفته فلسفی است که بسد و خوب بطور مطلق وجود ندارد بلکه باید دید قالب اعتبار آنها در چیست.

اکنون که این مسئله روشن شد باصل مطلب میردازیم من اندیشه ملت پرستی نیک میدانم و از تحقیرات جهان پرستی نیز از ما و شما بسکس از ملت پرستی بیزار و جهان پرستی را شعار خود ساخته ایم بد توجه بسختان گذشته این مطلب پرواضح است که اندیشه های ملت پرستی و جهان پرستی بطور مطلق نه خوب و نه بد بلکه خوبی و بدی آنها در اعتبارات آنها است لذا باید دید بجه اعتبار بدیا خوب اندو اعتبارات آنها در چیست اما در اینکه من متقدم بحوب بودن اندیشه ناسیونالیسم باملیت و من جهان پرستی میباشم باین علت است که وضع جهان فعلی را در نظر خود مجسم نموده می بینم دسته هایی قوی همه جنگلهای خود را نیز نموده و هر یک بنحوی در دنیا ماسک فریبندگی آماده بلعیدن ملت های ضعیف هستند و از طرف دیگر باندک دقتی می بینم که در دهه های پوچی که در باره حکومت جهانی داده میشود جز خیال و توهم چیزی بیش نیست و در این هنگام است که از خود سؤال مینمایم آیا اصلاح ملت ناتوان ما در چیست آیا این نفع ما است که در این دنیایی که جز زور و قلندری منطق دیگری وجود ندارد در این دنیایی که اگر حقی است از آن مردم قوی میدانند در این دنیایی که جز نفع پرستی و سود جویی چیز دیگری حکومت نمیکند در این دنیایی که حتی سازمانهای بین المللی که برای گرفتن حق مردم ضعیف میباشند است در دست استعمارگران باز بپوشه بیش نیست طرفدار یک حکومت بین المللی شده و بعضی وقتها و ناتوانی خود ادامه داده و خود را مانند لقمه چربی آماده

بقیه در صفحه ۴

دست های کثیفی که به نام

جان میپاراند همین برای لکه دار نمودن اندیشه توانای

پان ایرانیسم بگاز افتاده است

آنها زمانیکه از جاقو کشی خود بر علیه ماسودی جز زبان نبردند شروع به فعاشی نموده و اندیشه ای را که از توده ملت میپارست ما الهام میگرفت و میگردد بنام فاشیست و مرتجع و خلاصه «تغفن از گور هیتلر» تعبیر نمودند و پس از آنکه آنچه ناسزاکه لایق خودشان بود بما دادند اخیرا خر به ناجوانسردانه ای در پیش گرفته و میخوانند بدین ترتیب اندیشه ناسیونالیسم و پان ایرانیسم را لکه دار نموده و افکار منطقی و پستی که صرفا زبینه مغز گندیده خودشان است بنام مقدس ناسیونالیسم قالب بزنند بسگی از نمونه های حمله اخیرشان انتشار روزنامه ایستکه بصورت جانسپاربان میهن باجهال چند شماره منتشر شده و در این ورق باره کثیف بالارترین ضربات را بر پیکر اندیشه ناسیونالیسم وارد ساخته اند.

ما که بخوبی میدانیم چه دستهای کثیفی این جریان را میگرداند اکنون اعلام میداریم اگر بیش از این باین روش ادامه داده شود از هر لحاظ ضربات نابود کننده خود را بر پیکر کثیف آنها کوبیده و برای ابد بدینار نیستی رهسپارشان خواهیم ساخت.

بقیه در صفحه ۲

انحطاط غرب

جهان دانش

اسوالد اشنینگار

اندیشه سرنوشت و اصل سببیت (۷)

در برابر یک منطق غیر آلی یک منطق آلی دیده میشود منطقی که طبیعی بوده و منطق کامل روایی هستی در آن است در برابر این منطق غیر آلی که منطق تفهیم چیزهای درک شده میباشد منطق دیگری موجودست منطق جهت در برابر منطق وسعت و تاکنون هیچ متخصص وضع قاعده ای نه از سطوح و نه کانت چگونگی بحث آن را بدست نیاورده اند آنها در زمینه فکری با ما در مورد «قضایات» «شاهد» «آگاهی» «حافظه» بحث میکنند اما در مورد کلماتی از قبیل آرزو «مست» «نومیدی» «بشتیانی» «قدس» «تسلط» سکوت اختیار میکنند کسی که توقع دارد در حوزه اشیا زنده دلائل منطقی و نتایج قطعی بدست آورد و یا آنکه تصور کند یک واقعیت داخلی در مورد معنی و مفهوم بزرگی درست مانند چیزی بنام «فاتالیسم» و «جبری بودن» وجود دارد میتوان گفت که در مورد مسائل مورد بحث چیزی نمیدانند اصل هلیت یک موضوع عقلانی، قانونی و قابل

شکست و دوحزب کومنیستی فرانسه و ایتالیا، ایجاد نهضت تیتوئیسم، عدم رشد و توسعه احزاب کومنیستی در امریکا و انگلستان و اغلب کشورهای اروپایی از جمله حوادثی است که پس از جنگ جهانی دوم روی داده و با بروز آنها امروزه در محافل مطلع و آگاه جهان این پرسش پیش آمده است که آیا کومنیسم دوره انحطاط و زوال خود را طی میکند یا آن که این شکست موقتی بوده و بزودی ممکن است جبران شود.

ما از نظر اهمیت این موضوع بانظر موشکاف و با استفاده از حوادث گذشته جهان باین پرسش پاسخ میگوئیم. اگر کسی بقصد برگردیم می بینیم که فعالیت کومنیستها بعد از جنگ ایر در اغلب کشورهای که بر اثر جنگ ویران شده بودند و تنگدستی یا کمال شدت حیات و هستی آنها را تهدید میکرد سرعت شروع به پیشرفت گذاشت. این احزاب که همگی از مسکو دستور میگرفتند تا بتوانند با برنامه منظم و یکسانی بکار خویش ادامه دهند برای آماده ساختن دستگاه تبلیغاتی خویش برای آنکه بتوانند آذره تبلیغات مردم را از هر راهی که میل داشته هدایت کنند به توده جوان به توده دانشمند و مطلع نیاز داشتند تا یکمک و یاری آنها بتوانند به خواسته های خود زیور منطقی داده و باسانی آنها را بوقع اجرا گذارند.

چون توده های جوان تقریبا از لحاظ مادی زیاد در تنگنا نبودند و بجای وندم بهداشت و روان و کار روح آنها در پی چیز عالیتری میکشت چیزی که با از احساسات یک سرشار باشد و پان آنکه لااقل جنبه علمی داشته باشد. کومنیستها برای این منظور با هیاهو و جنجال فریاد برداشتند که دستگاه فکری آنها نوترین، علمی ترین و بهترین فکری است که در جامعه های کنونی میتواند رشد و توسعه پیدا کند و برای عملی ساختن و تلقین این فکر بویژه مسکوک های فراوانی چه از جهت فرستان متخصصین لازم و چه از جهت تخصیص دادن یک بودجه هنگفت برای اداره تبلیغات آنها مینمود و بدین وسیله احزاب کومنیستی توانستند جوانانی را که هنوز کاملا در یک راه علمی قدم نگذاشته و باصاف علوم و دانش راه نیافته قریب داده و آنها را بسوی سازمان های خویش رهبری نمایند.

احزاب کومنیستی پس از آنکه توانستند به سازمان های خود جنبه متشکل و قانونی دهند از طرف دودسته شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته و راهی را که اینها در مقام پاسخ به انتقاد آنها اختیار کردند و همچنین اشتباهات فراوان که در ضمن عمل از خود نشان دادند، این عوامل خود بخود موجب شده که روز بروز بقیه در صفحه ۴

یک هفته در ایران و جهان

در ایران ما: در هفته گذشته پس از آنکه ملت ایران در انجام قانون «خلع بد» با کامیابی تند پیش میرفت تلاشهای دیوانه وار دزدان دریایی همچنان دنبال میشد و زوزه رویای تیر خورده استعمار نوید زیست آزاد را بگوش ملتهای زنجیر شده میرساند، هنگامیکه نماینده گان کمیونیسیستیک «استاد و مدارا» چنانچه در سپاه پنج ساله خود را دزدیده و نیه شب از ایران گریختند... و هنگامیکه، کاپیتان کشتیهای انگلیسی در کنار شهر آبادان چشم حیرت پسبیل خروشای نفت دوخته و دست خود را از چپاول آن کوتاه دیدند... و هنگامیکه «دریک» فرمانده غارتگران انگلیسی در برابر اعتراض «هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران» با خلالگریهای او راه گریز پیش گرفت و سرانجام هنگامیکه «مورین» در برابر نماینده گان پارلمان انگلستان گفت «امپریالیسم و اصول استعماری قرن نوزدهم که حزب محافظه کار را روی کار آورد مرده است» جهان ملتها فیهید که ملت بیدار شده ایران بر سر حریف فرتوت و بیرنگ باز خود چیره گشته و لاشه استعمار را در شمله های فروزان نفت سوزانده است.

بقیه در صفحه ۴

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

